

تاریخ اسلام و ایران

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا

سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۳، پیاپی ۷۹، پاییز ۱۳۸۸

تولیت بقعه‌ی شیخ صفی الدین اردبیلی در دوره حکومت صفویان

نزهت احمدی^۱، مریم لطفی^۲

چکیده

بقعه‌ی شیخ صفی الدین اردبیلی یکی از مکان‌های مذهبی و زیارتی مهم در دوران حکومت صفوی به‌شمار می‌رفت. امور مربوط به این بقعه تا پیش از تأسیس حکومت صفوی اغلب مستقیماً توسط شیوخی که رهبری طریقت صفوی را بر عهده داشتند، اداره می‌شد. بعد از تأسیس حکومت صفوی هر چند که پادشاهان صفوی عنوان مرشدی کامل را حفظ کرده بودند، اما دیگر شخصاً بقعه را اداره نمی‌کردند، بلکه افرادی را به عنوان متولی انتخاب و به این کار می‌گماشتند.

در این جا ما با این پرسش روبرو هستیم که با توجه به اهمیت این بقعه، وظایف و جایگاه متولیان در طی دوران حکومت صفوی چه بوده است؟ آیا آنان از طبقه اجتماعی خاصی انتخاب می‌شدند؟ و آیا آنان در

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا nozhat.ahmadi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ

تاریخ تصویب: ۸۸/۸/۲۹

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۰/۱۴

اداره بقعه اختیاردار بودند و یا تنها اوامر و دستورات شخص شاه را اجرا می‌کردند؟ با توجه به موقعیت و اهمیت بقعه، به نظر می‌رسد افرادی که منصب تولیت را در اختیار گرفته‌اند از موقعیت ویژه‌ای در دستگاه حکومتی صفوی برخوردار بوده‌اند تا جایی که حتی گاه این سمت را همزمان، همراه با منصبی سیاسی چون حکومت اردبیل و گاه کل آذربایجان، برعهده داشتند.

تحقیق حاضر در پی شناسایی متولیان و اقدامات آنها و نیز مشخص کردن وظایف متولیان، جایگاه و میزان مشارکت آنان در امور سیاسی می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی است. در این جا همچنین اسامی متولیانی که بر اساس منابع شناسایی شده‌اند به ترتیب زمانی در جدولی تنظیم و سعی شده است مشخص گردد که هر یک به چه گروه اجتماعی تعلق داشته‌اند و احیاناً در طی حکومت صفوی چه تغییر و تحولی در انتخاب افراد مذکور ایجاد شده است.

واژه‌های کلیدی: تولیت، شیخاوندیه، بقعه شیخ صفی الدین

اردبیلی، صفوی، اردبیل

مقدمه

نهاد وقف یکی از نهادهایی است که در ایران سابقه ای دیرینه دارد. وقف معمولاً در جهت نیت واقفان؛ که غالباً خیرخواهانه و گاه برای جلوگیری از تعرض یا مصادره و غیره بود، صورت می‌گرفت. از آنجایی که اداره امور موقوفه و املاک و مستغلات آن نیاز به رسیدگی داشت، افرادی تحت عنوان متولی برای رسیدگی به این امور در نظر گرفته می‌شد. غالباً واقف تا پایان عمر تولیت را شخصاً در اختیار داشت اما برای اداره امور موقوفه و جلوگیری از نابودی آن پس از

مرگش لازم می‌دانست تا فردی مطمئن را به عنوان متولی منصوب نماید. متولیان املاک وقفی را اداره و درآمدش را صرف اهداف مورد نظر واقف می‌کردند.

بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی؛ مؤسس طریقت صفویه، واقع در شهر اردبیل، و مرقد برخی دیگر از شیوخ صفوی، موقوفات بسیاری داشت که به مرور بر تعداد آن افزوده می‌شد. این مکان که ابتدا خانقاه شیخ صفی‌الدین و سپس مرقد وی شد تا قبل از تأسیس حکومت صفوی به عنوان کانون طریقت صفوی محسوب می‌شد و پس از آن نیز همچنان عنوان پایگاه معنوی صفویان را حفظ کرد و به صورت یک مکان مذهبی و زیارتی مطرح بوده است. زیارت‌های متعدد پادشاهان صفوی از بقعه به ویژه پیش از شروع جنگ علیه دشمنان خود، همچنین تخصیص وقفیات، نذورات و نیز توجه به توسعه‌ی بنای بقعه و تزئینات آن، گویای این مطلب است که آنها سعی داشتند از این ویژگی بقعه بهره‌گیرند. علاوه بر این رابطه خصمانه با عثمانی که اماکن زیارتی عتبات و مکه را در اختیار داشت، باعث شد که به اماکن مذهبی داخل کشور چون حرم امام رضا (ع) و نیز بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین، توجه بیشتری شود. بنا به عقیده بسیاری از سفرنامه‌نویسان اروپایی که در دوره‌ی صفوی به ایران آمده‌اند، سیاست شاه عباس در مورد اماکن مقدّس و زیارتی، سوق دادن زائران کشور از زیارت عتبات و حتی مکه به زیارتگاههای داخل کشور، ظاهراً با هدف جلوگیری از خروج پول کشور به خاک عثمانی بوده است (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۷۸؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۲۰۱).

این جایگاه معنوی بقعه در جامعه، باعث شده بود تا روز به روز به دارائیهای آن؛ که اغلب از راه نذورات و موقوفات بدان تعلق می‌گرفت، افزوده شود. رسیدگی به این املاک وقفی و انجام امور جاری بقعه بر عهده متولیان بقعه بود که پس از تأسیس حکومت صفوی به جای شیوخ صفوی، به اداره بقعه می‌پرداختند. با توجه به جایگاه معنوی بقعه، تولید آن نیز دارای اهمیت بسیار بود، از این روی این مقام اغلب به طایفه شیخاوند و یا به قزلباشان اختصاص داشت.

بنا به اهمیت موضوع و از آن جایی که هیچ پژوهش مستقلی در این خصوص صورت نگرفته است، این تحقیق شکل گرفت. در این جا سعی شده است تا مسائل مختلف در خصوص تولید بقعه، نحوه انتخاب متولی، گروه‌های اجتماعی که متولی از بین آنها انتخاب می‌شد، و

همچنین اسامی متولیان، اقدامات و نقش سیاسی آنان در دوران حکومت صفوی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

تولیت بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی

شیخ صفی الدین در زمان حیاتش تمام املاکش را وقف زاویه ی خود کرد و پسرش صدرالدین را به عنوان متولی آن قرار داد (زین العابدین عبدی بیگ: ۹۶). از آن پس هر کس بر مسند ارشاد طریقت صفوی می نشست، تولیت را نیز در دست می گرفت. شاهان صفوی در ادامه این سنت، طبیعتاً وظیفه دار تولیت بقعه به حساب می آمدند.

اما تفاوتی در تولیت قبل از تأسیس حکومت و بعد از آن دیده می شود. تا پیش از تأسیس حکومت رهبر طریقت صفویه اداره امور بقعه و املاک آن را مستقیماً بر عهده می گرفت، اما با تأسیس حکومت صفوی، پادشاه با اینکه متولی شرعی بود (همان: ۱۱۸)، خود مستقیماً به امور بقعه نمی پرداخت، بلکه افرادی را به عنوان متولی از جانب خود انتخاب و روانه اردبیل می کرد. البته در طی این دوران نیز تفاوتی در نحوه تولیت بقعه دیده می شود. در اوایل حکومت صفوی گاه وابستگان نزدیک شاه این منصب را بر عهده داشتند، حال آن که در دوره های بعدی دیگر چنین امری تکرار نمی شود و چنین منصبی به هیچ یک از برادران یا فرزندان شاهان صفوی محول نشده است.

در دوره شاه اسماعیل یکم برادر ناتنی اش سلیمان میرزا، چندی در اردبیل و بقعه به سر می برد (عالم آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۴۲۷) هر چند اشاره ای مستقیم به تولیت وی در منابع دیده نمی شود اما سخن عالم آرای صفوی در مورد سوء استفاده سلیمان میرزا از خزانه بقعه جهت تجهیز سپاه^۱ و جلب نظر طایفه شیخاوند می تواند گواهی بر تولیت وی در این زمان باشد، زیرا که به جز

۱. سلیمان میرزا برادر ناتنی شاه اسماعیل یکم که در آغاز قدرت گیری شاه اسماعیل و زمانی که وی در خراسان مشغول جنگ بوده در اردبیل و بقعه حضور داشته و حتی از طلا و نقره های موجود در بقعه به نام خود سکه ضرب کرده و بر ضد شاه اسماعیل به شورش برخاسته است (عالم آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۴۲۷)

متولی کسی نمی‌توانست دخل و تصرفی در اموال بقعه بکند. همچنین سام میرزا حدود دوازده سال تولیت بقعه شیخ صفی را از جانب برادرش شاه تهماسب یکم بر عهده داشت (قاضی احمد قمی: ۱۳۵۹: ۱/۵۵۰). اما بعد از وی دیگر هیچ یک از برادران شاه را در این سمت نمی‌بینیم. در واقع با کاسته شدن اعتماد شاهان صفوی از افراد نزدیک خانواده، که بالقوه می‌توانستند برای سلطنت آنان خطر آفرین باشند، از اعطای مناصب مهم؛ که برای این افراد قدرت و مشروعیت به همراه می‌آورد، کاسته شد.

اما با این وجود تمایل به دادن تولیت به افرادی از خاندان شیخ صفی همچنان وجود داشت. از این روی تولیت بقعه بیشتر به طایفه شیخاوند سپرده می‌شد، اما این به هیچ وجه بدان معنا نبود که این وظیفه مختص این گروه است، بلکه شاهد آنیم که افراد دیگری، به ویژه از میان قزلباشان نیز به عنوان متولی انتخاب شده‌اند، که معمولاً این سمت همراه با منصب حکومت اردبیل بوده است. در میان متولیان آستانه‌ی اردبیل افرادی از سادات شیراز، طوایف مختلف قزلباش یعنی قاجار، قرمانلو، تکلو، شاملو، سوکلن ذوالقدر دیده می‌شوند که گاه در زمره خویشاوندان سببی خاندان صفوی قرار می‌گرفتند.

هر چند تولیت بقعه از قانون ارث به معنای واقعی و کامل آن پیروی نمی‌کرد، اما از شواهد چنین برمی‌آید که این مسئله در انتخاب متولی جدید بی‌تأثیر نبوده است. هفت تن از متولیان به‌طور مشخص با هم خویشاوند نزدیک در حد پدر و پسر یا برادر می‌باشند. خواجه خان احمد بیگ بن محمد جنید صفوی، پسرش معصوم بیگ و نیز نواده‌اش امیر صدرالدین هر سه برای مدتی تولیت بقعه را بر عهده داشتند. پس از مرگ شیخ ابدال زاهدی، برادرش تولیت را در اختیار گرفت و بالاخره پس از مرتضی قلی خان، پسرش به جای او متولی بقعه شد. در این مورد در صفوة الآثار آمده «... صوفی زاده‌ی قدیم این دودمان ولایت نشان، متولی بالارث و الاستحقاق این آستان ملایک پاسبان، ابن مرحوم المبرور مرتضی قلی خان یحیی ینکچرلوی شاملو مفوض و مرجوع است.» (عبدالکاظم محمد اردبیلی، ۱۳۷۵: ۵۰۰) این عبارت نشان می‌دهد که در انتخاب او به تولیت علاوه بر توانمندی و لیاقت، مسئله ارث نیز از نظر دور نبوده است.

نکته‌ی قابل توجه در امر تولیت بقعه آن است که تولیت الزاماً بر عهده‌ی اعضای نهاد دینی نبود، بلکه همان طور که گفته شد در برخی موارد متولی حاکم شهر نیز بود؛ و این منصب به لحاظ قدرت اجتماعی و حتی سیاسی بر حکومت برتری داشت. اولناریوس دقیقاً به این مورد اشاره کرده است و تولیت بقعه‌ی شیخ صفی را مهمتر از حکومت اردبیل دانسته است. وی می‌گوید: «**خان اردبیل نماینده روحانی شاه و مأمور رسیدگی به بقاع متبرکه است و در کنار آن سایر مأموریتها و تکالیف دنیوی را به عنوان نماینده شاه انجام می‌دهد**» (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۱۳۴). این نشان می‌دهد که دست کم در این شهر، جایگاه سیاسی بقعه حتی پس از تأسیس حکومت بسیار اهمیت داشته است. در حالی که علی‌رغم احترام شاهان صفوی به ویژه کسانی چون شاه اسماعیل و شاه تهماسب به بسیاری از بقاع مشایخ، چنین حساسیتی در مورد اداره آنها دیده نمی‌شود.

همچنین در مورد تقسیم تولیت در بقعه شیخ صفی آن گونه که در مورد تولیت آستان قدس رضوی گاه انجام می‌شد، در منابع اشاره‌ای دیده نمی‌شود. تولیت مشهد در برخی زمان‌ها به دو نفر اختصاص می‌یافت که از آنها به عنوان متولی سنتی و واجبی یاد می‌شده است (اسکندر منشی، ۱۳۷۷: ۱/۲۳۷) که هر یک وظایف مشخص و خاص خود را داشتند.

از آن جایی که بقاع متبرکه معمولاً به غیر از اوقاف و نذورات معین، قسمتی از عایداتشان از محل سیورغالات و املاک خاصه تأمین می‌شد و اختیار مطلق آن با پادشاه بود و به مصارفی مانند شیلان، وظایف خدام و مدرسان، سادات، علما و فضلاء و مستحقین و غیره اختصاص می‌یافت، در منابع از آن به عنوان «سنتی» یاد کرده‌اند. در مقابل تولیت اوقاف و نذوراتی هم که مصرف آن توسط واقفان در ضمن شروط وقف، تعیین شده بود، «واجبی» خوانده شده است (همان جا).

در زمان شاه تهماسب یکم حدود ده هزار تومان از سیورغالات و درآمد موقوفات و نذورات شهرهای مقدّس مانند مشهد، اردبیل و قم به تهیدستان آن مناطق داده شده است (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹: ۱/۵۹۸). ویلم فلور اعتقاد دارد بین نحوه اداره موقوفات قدیم و جدید که در اردبیل، مشهد و قم برای بقعه شیخ صفی، امام رضا (ع) و حضرت معصومه (ع) وقف شده است، تفاوت وجود داشت (فلور، ۱۳۸۱: ۱۰۸). وی اضافه می‌کند اصطلاح جدید و قدیم، بر دو ساختار متفاوت وقف برای اداره اموال وقفی که بعد از سال ۹۰۶-۹۰۵ هـ.ق/ ۱۵۰۰ م پیوسته در حال افزایش بود، اشاره

دارد (همان: ۱۰۹). فلور احتمال می‌دهد هر دو نوع وقف، جز در اواخر دوره صفویان، زیر نظر متولی جداگانه‌ای اداره می‌شده است (همان جا). در مورد وقفیات بقعه شیخ صفی در برخی منابع از جمله صریح الملک به عنوان «موقوفات قدیم» (زین العابدین عبدی بیگ: ۲۷۰، ۲۷۸) اشاره شده است، اما از تولیت دو فرد در یک زمان در مورد بقعه شیخ صفی آن گونه که در مورد مشهد گفته شده سخنی به میان نیامده است. در مورد بقعه شیخ صفی و تقسیم تولیت در آن تنها اشاره ای که شده، جدایی موقوفات بقعه شیخ صفی و موقوفات بقعه شاه اسماعیل یکم است که در صریح الملک نیز این املاک جداگانه آورده شده است (زین العابدین عبدی بیگ: ۳۷۱-۳۶۷). هر چند که به گفته زاهدی فردی به نام زمان خان میرزا تولیت موقوفات شاه اسماعیل را داشته (زاهدی، ۱۳۴۳: ۶۶). اما مسئولیت رسیدگی به موقوفه های شاه اسماعیل، معمولاً با متولی بقعه شیخ صفی بوده و جز اشاره مختصر زاهدی در سلسله‌النسب، خبری در مورد تولیت جداگانه موقوفات شاه اسماعیل در منابع دوره صفوی دیده نمی‌شود.

همان گونه که از منابع برمی‌آید، منصب تولیت بقعه بعد از دوره شیوخ معمولاً مادام‌العمر نبود و به دلایل مختلف متولیان جایگزین شده‌اند. برخی از متولیان مانند شیخ ابدال زاهدی تا آخر عمر به این کار اشتغال داشته است، برخی مواقع نیز متولی موقعیت و منصب دیگر و گاه بهتری به دست می‌آورد، مانند معصوم بیگ که به جای مقام تولیت که در اختیار داشت، به امارت رسید و بعد دیوان بیگی و... شد. همچنین فرهادخان که حکومت مازندران و استرآباد و بعد هم هرات را به دست آورد (حسینی استرآبادی، ۱۳۴۶: ۱۶۳). گاه نیز اتفاق می‌افتاد که متولی به دلیل ایجاد نارضایتی از کار برکنار می‌شد. مانند نظرعلیخان که به جرم «سلوک ناهنجار و شکایت رعایا و تصرف موقوفات سرکار آستانه‌ی مقدسه» (میرزا محمد طاهر وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۶۱۲) توسط شاه عباس دوم برکنار گردید.

وظایف متولی

تمامی امور مربوط به بقعه شیخ صفی و املاک و مستغلات آن زیر نظر متولی اداره می‌شد. در سلسله‌النسب از دستورالعملی سخن به میان می‌آید که شاه عباس در سال ۱۰۰۹ هـ ق ضمن

انتخاب شیخ ابدال زاهدی به تولیت بقعه، صادر کرده است (زاهدی، ۱۳۴۳: ۱۰۹)، این دستور العمل ما را با وظایف متولی بقعه آشنا می‌کند. از جمله: ۱- نظارت بر داد و ستد بقعه ۲- مهر کردن پروات و شرطنامه ها ۳- صدور پروات و مرسومات ۴- بازیینی روزانه‌ی فهرست نذورات و... ۵- رسیدگی به اختلافات رعایای بقعه به همراه متصدی بقعه با حضور علما و اهل شرع ۶- نظارت بر کار تهیه و تدارک طعام ۷- ضبط و ربط وجوهات محصولات، بهره‌ی اراضی و... ۸- اجاره دادن املاک متعلق به بقعه. در این فرمان در ضمن، مسئله معاف کردن بقعه از پرداخت «اطلاعات وحوالات مملکت» مورد تأکید قرار گرفته است.

اسامی متولیان

در این جا بر اساس اطلاعات مندرج در منابع، فهرستی از اسامی متولیان در طی حکومت صفوی تهیه شده است که می‌تواند به شناخت بهتر موقعیت و جایگاه طبقاتی آنان کمک نماید.

متولیان بقعه بعد از تأسیس حکومت صفوی

متولی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی	حکومت پادشاه	سال ه.ق ^۱	خاندان، طایفه
خان احمد بیگ	شاه اسماعیل یکم	۹۰۹	شیخاوند
سلیمان میرزا	"	نا معلوم	برادر شاه اسماعیل
خواجه خان احمد بن خواجه محمد صفوی	شاه تهماسب اول	۹۳۵	شیخاوند
امیر معین الدین اشرف اوحدی	"	۹۴۳ - ۹۴۹	اهل مراغه
علی بیگ	"	۹۴۹	تکلو
معصوم بیگ صفوی	"	۹۵۰ - ۹۵۶	شیخاوند
سام میرزا	"	۹۵۶ - ۹۶۸	برادر شاه تهماسب
امیر ظهیر الدین ابراهیم صفوی (میر ابراهیم صفوی)	"	۹۷۷	شیخاوند

۱. همه تواریخ ذکر شده در جدول لزوماً به معنی آغاز تولیت افراد نیست بلکه برخی از گزارشها حاکی از آن است که در این تاریخها تولیت با افراد مذکور بوده است

امیر ابوالولی انجو	،اسماعیل دوم، محمد خدا بنده	حدود ۹۸۵، ۹۸۶	سادات شرفه ^۱ شیراز
شیخ شاه بیگ صفوی	اسماعیل دوم	۹۸۸	شیخاوند
مسیب خان نکلو	محمد خدا بنده	۹۹۴	نکلو
امیر صدرالدین محمد صفوی	شاه عباس یکم	۱۰۰۰	شیخاوند
فرهاد خان	،	۱۰۰۱	قرامانلو
میرزا اسمعیل	،	نیمه اول سال ۱۰۰۹	؟
ابدال بیگ زاهدی	،	۱۰۰۹ از نیمه دوم	شیخاوند
شیخ شریف بیگ	،	۱۰۳۸، ۱۰۴۱	،
کلبعلی بیگ دواتدار	شاه صفی	۱۰۴۵	قاجار
نظر علیخان	شاه عباس دوم	۱۰۴۹-۱۰۵۲	سوکلن ذوالقدر
مرتضی قلی خان بیجرلو (یا ینکچرلوی) قورچی باشی سابق	شاه عباس دوم	حدود ۱۰۶۵-۱۰۶۷	شاملو
پسر مرتضی قلی خان متولی سابق	شاه سلطان حسین	۱۱۱۸	شاملو
مرتضی قلی بیگ صفوی	شاه تهماسب دوم	۱۱۴۴	شیخاوند
زمان خان میرزا	-	-	شیخاوند

با توجه به جدول بالا - بدون در نظر گرفتن مورد آخر - می توان گفت از ۲۰ متولی ذکر شده (اولین و سومین فرد مذکور در جدول به احتمال قریب به یقین یک فرد بوده‌اند)، هفت مورد از طوایف قزلباش، هشت نفر از شیخاوندیه، دو مورد از خاندان سلطنتی، یک مورد از سادات شیراز و یک نفر اهل مراغه و فردی دیگر با هویتی نامشخص تولیت بقعه را برعهده داشته‌اند. مدت زمان تولیت برخی از متولیان در منابع مشخص شده مانند تولیت شیخ شریف بیگ که بنا به گفته سلسله‌النسب هجده سال طول کشیده (زاهدی، ۱۳۴۳: ۱۱۴)، دوره تولیت برخی نیز با توجه به اسناد صریح الملک قابل محاسبه هست که در ادامه بدان اشاره خواهد شد،

۱. شرفه بنا به گفته لغتنامه دهخدا طایفه ای از قبایل عرب خوزستان می باشد (دهخدا، ذیل واژه شرفه)

اما از آنجا که گاه وقفه هایی نسبتاً طولانی در اسامی دیده می شود، به نظر می رسد که افراد دیگری نیز احتمالاً برای مدتی کوتاه در بقعه تولیت داشته اند.

به نظر نمی رسد انتخاب متولی از طوایف قزلباش با قدرت این قشر در معادله های سیاسی جامعه صفوی ارتباط تنگاتنگی داشته باشد. همان طور که در جدول بالا مشخص است متولیان قزلباش بیشتر در نیمه دوم از حیات حکومت صفوی در بقعه عهده دار منصب تولیت بوده اند، در حالیکه از نظر میزان قدرت، طوایف مورد نظر در نیمه نخست از این دوره وضعیت بهتری داشته اند.

در مجموعه ی صریح الملک، رونوشت سندی به تاریخ ۹۰۹ ه.ق، فردی به نام «خان احمد بیگ» را به عنوان متولی نام برده است، «قریه میانلق من قری ناحیه خان ویرسوق من مضافات اردبیل حدود اراضیها متصله باراضی الوارس وباراضی قریه دیناردول وباراضی قریه اوژر مشهور بافجور وبه اراضی قریه نساو وناقوه حدود؟ القریه بموجب قبالة بتاریخ شهر ذبقعه سنه سبع و سبعین و سبعمائنه و مصالحه نامه فیما بین خان احمد بیگ متولی سرکار فیض آثار و سید محسن میرزای یوزباشی بتاریخ شهر جمادی الثانی سنه تسع و تسعمائنه، بالتمام» (زین العابدین عبدی بیگ: ۱۶۳). از حاشیه نوشته ای در همین کتاب معلوم می شود که «خواجه خان احمد بن خواجه محمد صفوی»، از نوادگان شیخ جنید، در سال ۹۳۵ ه.ق یعنی دوره ی شاه تهماسب یکم تولیت بقعه را در دست داشته (همان: ۶۱). به نظر می رسد این فرد همان خان احمد بیگ متولی بقعه در سال ۹۰۹ ه.ق باشد.

از حدود سال ۹۴۳ ه.ق میرمعین الدین اشرف اوحدی مراغه ای متولی بقعه بوده است که با توجه به وقفنامه های موجود در صریح الملک، وی این عنوان را تا سال ۹۴۹ ه.ق در اختیار داشته است (همان: ۹، ۷۰، ۷۸، و..). وی در زمان تولیت خود املاک بسیاری برای بقعه خریداری کرد که گاه برای توسعه ی بنای بقعه به کار رفته است. همچنین خرید املاکی در روستاهای اطراف شهر اردبیل و نیز در برخی از شهرهای دیگر مانند سراب، مشکین و نواحی ارونق در اطراف تبریز و... از اقدامات وی بوده است.

در حالی که تکملة الاخبار، تاریخ انتخاب علی بیگ بن حسن بیگ تکلوه به تولیت بقعه را در سال ۹۴۷ ه.ق ذکر کرده است (عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۹۱)، اسناد موجود در

صریح‌الملک حاکی از تولیت وی در سال ۹۴۹ ه. ق می باشد (زین العابدین عبدی بیگ: ۶۳). وی کمتر از یک سال متولی اردبیل بوده و در این مدت چندین ملک از جمله ۱۱ باب دکان و حجره در بازار صرافان اردبیل برای بقعه خریداری کرده است (همان: ۳۹).

از سال ۹۵۰ ه. ق معصوم بیگ صفوی متولی بقعه عنوان شده است (همان: ۷۰، ۴۳، ۵۰ و...) وی پسر خواجه خان احمد بن خواجه محمد بن جنید صفوی متولی سابق بقعه بود (عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۱۰)، معصوم بیگ تا اواخر ۹۵۶ ه. ق این سمت را داشته و بعد به امارت رسیده و کاشان را به عنوان تیول دریافت کرده است (قاضی احمد قمی؛ ۱۳۵۹: ۱/۳۴۴). وی در طی دوران تولیت خود چندین دکان و قطعه زمینهایی در شهر اردبیل برای بقعه خرید. خرید املاک توسط متولیان از محل نذورات و درآمدهای بقعه بوده است و به نظر می رسد میزان آن به توانایی فردی متولی بستگی داشته است.

در اواخر سال ۹۵۶ ه. ق شاه تهماسب یکم، برادرش سام میرزا را به جای معصوم بیگ، به تولیت بقعه انتخاب کرد، وی حدود دوازده سال این مسئولیت را برعهده داشت (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹: ۱/۵۵۰). تا اینکه به اتهام شورش دستگیر و کشته شد (همان: ۵۵۶).

در تذکره شاه تهماسب در ذکر وقایع سال ۹۵۳ ه. ق آمده که در زمان شورش القاص میرزا «میر ابراهیم اصفهانی متولی اردبیل» از جمله کسانی بوده است که شاه تهماسب آنها را برای مذاکره و نصیحت برادر شورشی اش فرستاد (تذکره شاه تهماسب، ۱۳۶۲: ۴۴). از آن جا که اسناد موجود در صریح‌الملک معصوم بیگ را متولی سال ۹۵۳ ه. ق معرفی کرده، می توانیم به این نتیجه برسیم که در تذکره شاه تهماسب به عنوان بعدی میر ابراهیم اشاره شده است - امری که در منابع این دوره سابقه دارد - از سوی دیگر اسناد صریح‌الملک متولی بقعه را در سال ۹۷۷ ه. ق شخصی با عنوان امیرظهیرالدین ابراهیم صفوی ذکر می کند (زین العابدین عبدی بیگ، ۱۳۳) که باید همان میر ابراهیم اصفهانی باشد. از آن جا که زاهدی میر ابراهیم متولی بقعه را از نوادگان شیخ عبدالرحمن پسر خواجه علی نام برده (زاهدی، ۱۳۴۳: ۵۰)، می توان به این نتیجه رسید که عنوان صفوی برای این فرد درست تر بوده است. اما در مورد لقب اصفهانی نمی توان به صراحت اظهار نظر کرد.

از دیگر متولیان بقعه امیر ابوالولی انجو از سادات شیراز بود (میرزا محمد طاهر وحید قزوینی؛ ۱۳۸۳: ۷۶)، وی پیش از آنکه به تولیت بقعه شیخ صفی برسد، متولی آستان قدس رضوی بود (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹: ۱/۴۶۱)، که بنا به گفته اسکندر بیگ منشی در پی نزاع با شاه ولی سلطان ذوالقدر، حاکم مشهد، از تولیت آنجا معزول شده و به دربار آمده بود (اسکندر منشی، ۱۳۷۷: ۱/۲۳۵). ظاهراً بعد از این ماجرا و در واپسین سالهای دوره حکومت شاه تهماسب یکم به تولیت بقعه انتخاب شد که اسماعیل دوم نیز بعد از تاجگذاری، او را در همان مقام ابقا کرد (همان: ۶۶۴). به گفته اسکندر بیگ منشی، وی در زمان سلطان محمد خدابنده و تا سال ۹۸۶ ه. ق هنوز تولیت بقعه را برعهده داشت (همان: ۶۸۱). به نظر می رسد وی تا زمانی که فرمان شیخ الاسلامی قزوین در سال ۹۸۷ ه. ق را دریافت کرده و تولیت اوقاف غازی را به همراه برادرش به دست آورده (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹: ۲/۷۰۵)، تولیت بقعه را برعهده داشته است. شاه عباس یکم در سال اول پادشاهی اش ابوالولی انجو را به صدارت برگزید (اسکندر منشی، ۱۳۷۷: ۱/۲۳۵؛ میرزا محمد طاهر وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۰۶؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۱۵). با توجه به مناصب مختلف ابوالولی انجو باید متذکر شد که وی بر خلاف بسیاری از متولیان بقعه از طبقه روحانی بوده حدود سال ۹۸۸ ه. ق در زمان سلطنت محمد خدابنده، شیخ شاه بیگ صفوی تولیت بقعه را برعهده گرفت (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۱۱۳). به نظر می رسد بعد از وی بود که در سال ۹۹۴ ه. ق شاهزاده حمزه میرزا، مسیب خان تکلو، خاله زاده محمد خدابنده را متولی و حاکم اردبیل قرار داد (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹: ۲/۸۲۸).

در *صریح الملک* از قباله‌ای مربوط به سال ۱۰۰۰ ه. ق یعنی دوره شاه عباس صحبت می-شود که در آن امیر صدرالدین محمد پسر معصوم بیگ صفوی را متولی بقعه نامیده است «قریه پرنیق از قرار قبالچه بتاریخ غره شهر جمادی الاول سنه الف از شاهرخ بیگ ابن حسین اقاتله در زمان تولیت سیادت پناه امیر صدرالدین محمد متولی بمبلغ نود و دو تومان تبریزی با قریه در که سران اردبیل و ترزنبق مشکین خریداری شده، بالنصف» (زین العابدین عبدی بیگ، ۱۰۶). در سال ۱۰۰۱ ه. ق شاه عباس یکم تولیت را به فرهاد خان قرمانلو - از اعقاب بیرام بیگ قرمانلو (جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۰۰) سپرد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۱۵۶)، که همزمان با آن

امیرالامرای آذربایجان هم بوده است (همان جا). فرهادخان بعدها بنا به دستور شاه عباس به قتل رسید، گویا سخن چینی حاسدان شاه را به او بدبین کرده بود (اسکندر منشی، ۱۳۷۷: ۲/۹۲۴). در شش ماه اول سال ۱۰۰۹ ه. ق شخصی به نام «میرزا اسمعیل» متولی بقعه بوده است که شاه عباس یکم، شیخ ابدال بیگ زاهدی از طایفه شیخاوند - پدر نویسنده سلسله النسب - را به جای وی، به تولیت بقعه برگزید (زاهدی، ۱۳۴۳: ۱۱۰). شیخ ابدال بسیاری از قسمت‌های بقعه از جمله گنبد حرم، جنت سرا، چله خانه، حصار شهیدگاه و مدرسه‌ی بقعه را بازسازی نمود، برای برخی از روستاهای متعلق به بقعه مانند کلخوران ویند، ابراهیم آباد و آغر، کاریز ایجاد کرد و مزارعی مانند تاجی بیوک، تلخاب، ابراهیم آباد آلاروق، مهمان دوست و... را که بایر شده بودند، احیاء نمود (همان: ۱۱۲، ۱۱۳).

بعد از ابدال بیگ، برادرش شیخ شریف بیگ، حدود هجده سال مقام تولیت بقعه را برعهده داشت (همان: ۱۱۴) و نزدیک یک هزار تومان ملک برای بقعه خریداری کرد (همان: ۱۱۵). محمد طاهر اصفهانی در تاریخ ۱۰۳۸ ه. ق املاکی را که توسط این متولی، برای بقعه خریداری شده بود، در صریح الملکی تنظیم و تدوین کرده است.^۱ آنچه از این مجموعه صریح الملک بر می آید وی بیشترین املاک را برای بقعه خریداری نموده است.

شاه صفی در سال ۱۰۴۵ ه. ق تولیت بقعه را به همراه حکومت اردبیل به کلبعلی بیگ دو اتسار قاجار بخشید (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۳۵؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۲۵۴)، پس از درگذشت وی در سال ۱۰۴۸ ه. ق جای او را نظر علیخان سوکلن ذوالقدر گرفت که تا آخر عمر شاه صفی متولی بود (میرزا محمد طاهر وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۸۸، ۳۳۰) بنا به گفته قصص خاقانی در سال ۱۰۵۲ ه. ق همچنان عنوان تولیت را داشته است (ولی قلی بن داود قلی شاملو، ۱۳۷۱: ۴۶۶). وی برخی از املاک متعلق به بقعه از جمله دکان هایی در کنار کاروانسرای «السه ویرمش آقا» در شهر اردبیل را به نفع خود ضبط کرده بود که بعد از برکناری اش از تولیت، بازپس گرفته شد (زین العابدین عبدی بیگ: ۳۳).

۱. اصفهانی، محمد طاهر، صریح الملک، نسخه خطی دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۱۶۵۵.

بعد از برکناری نظرعلیخان، حدوداً در سال ۱۰۶۵ ه.ق یا کمی قبل از آن، مرتضی قلی خان بیجرلو شاملو (میرزا محمد طاهر وحید قزوینی؛ ۱۳۸۳: ۳۱۳) قورچی باشی سابق به تولیت آستانه اردبیل منصوب گردید (شاردن، ۱۳۷۴: ۵/۱۶۱۵؛ نصرآبادی، ۱۳۱۷: ۳۹۷؛ میرزا محمد طاهر وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۶۱۲). او در سال ۱۰۷۰ ه.ق به عنوان بیگلربیگی قراباغ نام برده شده است (همان: ۷۰۵) و به درستی معلوم نیست که در این زمان آیا تولیت بقعه را داشته یا نه. در *صفوة الآثار فی اخبار الاخیار* مرتضی قلی خان متولی بقعه از طایفه ینکچرلوی شاملو عنوان شده است (عبدالکاظم محمد اردبیلی، ۱۳۷۵: ۵۰۲). که به احتمال قریب به یقین همان متولی مورد نظر جهان آرای عباسی است. مرتضی قلیخان زمانی که بیگلربیگی قراباغ بوده در سال ۱۰۷۴ ه.ق در گذشت (میرزا محمد طاهر وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۷۵۹). بنا به گفته صفوة الآثار در زمان شاه سلطان حسین در سال ۱۱۱۸ ه.ق فرزند مرتضی قلی خان ینکچرلوی شاملو تولیت بقعه را برعهده داشت (عبدالکاظم محمد اردبیلی، ۱۳۷۵: ۵۰۲).

البته اهمیت بقعه در حدی است که حتی پس از سقوط اصفهان به دست افغانها نیز از توجه به آن غفلت نشده است. در مجموعه اسناد بقعه که در قسمت چینی خانه نگهداری می شود فرمانی از شاه تهماسب دوم به تاریخ ۱۱۴۴ ه.ق موجود می باشد که در آن مرتضی قلی بیگ صفوی به تولیت بقعه شیخ صفی برگزیده شده است.^۱

در سلسله‌النسب از *زمان خان میرزای صفوی* به عنوان «متولی شرعی سرکار موقوفات شاه جنت بارگاه شاه اسماعیل بهادرخان» نام برده می شود (زاهدی، ۱۳۴۳: ۶۶). اینکه موقوفات شاه اسماعیل از موقوفه های بقعه جدا بوده از *صریح الملک* نیز آشکار است (زین العابدین عبدی بیگ: ۳۶۷)، اما این جدایی بدان معنی نیست که الزاماً مسئولیت آنها به افرادی متفاوت تفویض شده باشد. به هر حال از روایت زاهدی در این مورد می توان دو تفسیر متفاوت ارائه نمود: اول اینکه *زمان خان میرزا* متولی بقعه نیز بوده، که به نظر بعید می باشد، زیرا در این صورت لزومی نداشته تا وی با وجود تولیت بقعه به عنوان متولی موقوفات شاه اسماعیل معرفی گردد، دوم

۱. فرمان شاه تهماسب دوم، (بدون شماره) اردبیل، مجموعه بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، چینی خانه، ویرین شماره ۱۴

اینکه مسئولیت موقوفات شاه اسماعیل و بقعه‌ی شیخ صفی، دست کم در برخی موارد به افرادی متفاوت داده شده است. هر چند جز اشاره زاهدی در مورد متولی موقوفات شاه اسماعیل، خبری در سایر منابع دوره صفوی مبنی بر تولیت جداگانه موقوفات بقعه و موقوفات شاه اسماعیل یافت نشده، اما تفسیر دوم دور از ذهن نیست.

نقش سیاسی متولیان بقعه

متولیان حاکم: هر چند منصب تولیت، مقامی سیاسی به حساب نمی‌آمد، اما برخی مواقع با حکومت همراه می‌شد که در این صورت بیش از پیش اهمیت می‌یافت. بنا به اعتقاد رهبرن، این کار به این دلیل صورت می‌گرفت که تضمینی برای رعایت دستورها و قوانین مذهبی بقعه به وجود آید (رهبرن، ۲۵۳۷: ۱۰۷). نکته‌ی قابل توجه این است که از بین متولیان بقعه، تنها افراد خاندان شاهی و قزلباش همراه با تولیت بقعه، مسئولیت حکومتی نیز داشته‌اند. از جمله این افراد می‌توان به سام میرزا، مسیب خان تکلو، کلبعلی بیگ دواتدار و نظرعلیخان اشاره کرد. فرهادخان قرامانلو نیز همزمان با تولیت بقعه، امیرالامرای آذربایجان بوده است (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۱۵۶)، در دوره شاه سلطان حسین نیز برای مدتی بیگلربیگی شیروان، متولی بقعه بوده است (رهبرن، ۲۵۳۷: ۱۰۸ به نقل از سند خوبوا شماره ۲۶).

با نگاهی به متولیان این دوره مشخص می‌شود که هر چه از دوره اول حکومت صفویان فاصله می‌گیریم از اعتبار و اهمیت متولیان بقعه کاسته می‌شود و با توجه به تجربه‌ی دو شاهزاده که در بقعه بودند و مشکلاتی برای شاه وقت ایجاد کردند، دیگر در مقام تولیت نه تنها شاهزادگان را نمی‌بینیم بلکه سعی شده است کمتر از شخصیت‌های سیاسی طراز اول به این منصب منصوب شوند. البته غیر از مواردی که حاکم اردبیل همزمان منصب تولیت را نیز برعهده داشته است.

متولیان سپاهی: داشتن منصب تولیت مانع از انجام خدمات نظامی نمی‌شد و برخی از این افراد در جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها همراهی داشته‌اند. مانند فرهادخان قرامانلو که در زمان شاه عباس یکم در جنگ‌ها شرکت داشته و به پاس پیروزی‌هایش حکومت مازندران و استرآباد و بعد

هرات را از جانب شاه گرفت (حسینی استر آبادی، ۱۳۶۴: ۱۶۹-۱۶۶). نظر علیخان نیز در خدمت شاه عباس دوم بوده و به گفته مؤلف قصص خاقانی گویا در امور جنگی مهارت زیادی داشته است (ولی قلی بن داود قلی شاملو، ۱۳۷۱: ۴۵۰)، وی یکی از فرماندهان لشکر شاه عباس دوم، در جنگ برای تصرف قندهار بود (همان: ۴۱۶). همچنین علی بیگ تکلو ضمن در نظر گرفته شدن برای حکومت اردبیل و تولیت بقعه، روانه جنگ در جبهه‌ی گرجستان شد (عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۹۱). کلبعلی بیگ دواتدار قاجار نیز قبل از تولیت در سال ۱۰۴۲ ه.ق به همراه عده‌ای به موصل تاخته و غنایم بسیاری به دست آورده بود (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۶). در هنگام شورش امیر قباد حاکم آستارا، میر اشرف اوحدی به همراه عده‌ای به مقابله و دفع او فرستاده شدند (روملو؛ ۱۳۶۷: ۳۷۹ و قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹: ۱/۲۸۸).

متولیان دارای جایگاه سیاسی مهم: علاوه بر موارد بیان شده برخی از متولیان چه قبل از تولیت بقعه و چه بعد از آن دارای مقامهای مهم سیاسی دیگری نیز بوده اند که نشانگر موقعیت ممتاز این افراد در عرصه سیاسی دوره صفوی می‌باشد. مانند معصوم بیگ صفوی که مقام و مناصب متعددی از جمله قورچی باشی، لکه گی حیدر میرزا، امارت، دیوان بیگی و اعتماد الدوله بوده است (عبدی بیگ شیرازی؛ ۱۳۶۹: ۱۱۰؛ حسینی استر آبادی، ۱۳۶۴: ۵۴). صدرالدین خان نیز بعد از پدرش معصوم بیگ سرپرستی حیدر میرزا را بر عهده داشت (همانجا). امیر الولی انجو هم بعد از تولیت بقعه در سال ۹۸۷ ه.ق شیخ الاسلام قزوین شد (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹: ۲/۷۰۵) و در سال اول پادشاهی عباس یکم نیز به صدارت برگزیده شد (اسکندر منشی، ۱۳۷۷: ۱/۲۳۵؛ میرزا محمد طاهر وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۰۶؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۱۵). مرتضی قلی خان نیز قبل از تولیت بقعه قورچی باشی بود (میرزا محمد طاهر وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۶۱۲).

نقش سیاسی متولیان به این موارد محدود نمی‌گردید، متولیان گاه به عنوان نماینده جهت مذاکره با شورشیان یا حتی برای سرکوب آنها در نظر گرفته می‌شدند. در هنگام شورش القاص میرزا از جمله افرادی که شاه تهماسب برای نصیحت او فرستاده معصوم بیگ صفوی و میر ابراهیم صفوی بوده است که هر دو در دوره‌هایی از متولیان بقعه بوده اند (بوداق منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۹۹).

متولیان شورشی: در مواردی متولی بقعه بر ضد شاه وقت شوریده است. سام میرزا برادر شاه تهماسب که سابقه‌ی شورش هم داشت، هنگامیکه حاکم اردبیل بوده و تولیت بقعه را نیز بر عهده داشته، متهم به شورشی دوباره گردیده، به هلاکت رسید (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹: ۱/۵۵۸). سلیمان میرزا نیز که احتمال تولیتش دور از ذهن نیست بر ضد شاه اسماعیل دست به شورش زده است. این نوع حرکت‌ها در میان متولیان، کم سابقه و بیشتر نشأت گرفته از سایر موقعیت‌های متولی بوده است. به عبارت دیگر تنها متولی بقعه بودن، فرد را در مقام مدعی قرار نمی‌داد بلکه نسبت‌هایی دیگر مانند تعلق به خانواده سلطنتی باعث چنین حرکت‌هایی می‌شد.

شرکت متولیان در دسته بندیهای سیاسی: متولیان گاه در دسته بندی‌های سیاسی شرکت کرده و به حمایت از شاهزاده‌ای خاص می‌پرداختند. مانند حمایت معصوم بیگ صفوی از حیدر میرزا و حمایت مسیب خان شرف الدین اغلی تکلو از تهماسب میرزا و ابوطالب میرزا در برابر حمزه میرزا و بعد کشته شدن او، در برابر عباس میرزا (شاه عباس یکم) (ولی قلی بن داود قلی شاملو، ۱۳۷۱: ۱۱۶). وی که خاله زاده محمد خدابنده و از طایفه تکلو بود، در شورشی در حدود سال ۹۹۴ ه. ق برضد ولیعهدی حمزه میرزا صورت گرفت شرکت داشت (اسکندر منشی، ۱۳۷۷: ۱/۵۳۰). این شورشیان که بیشترشان ترکمانان بودند، تهماسب میرزا را به قزوین برده و به تخت نشانده، سکه‌ای جدید ضرب کردند (اوروج بیگ بیات، ۱۳۳۸: ۲۳۱). حمزه میرزا پس از چند ماه توانست این شورشیان را سرکوب کند (همان، ۲۳۴، اسکندر منشی، ۱۳۷۷: ۱/۵۳۰). با این حال وی شدت عملی در برابر آنها نشان نداد و بدین ترتیب برخی از آنها بخشیده شدند (همان جا). حتی مسیب خان با وجود این نافرمانی (که قبل از تولیت بقعه صورت گرفته بود) از سوی حمزه میرزا حکم تولیت و حکومت اردبیل را دریافت کرد (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹: ۲/۸۲۸). مسیب خان بعدها در جمع کسانی بود که از ولیعهدی ابوطالب میرزا حمایت می‌کردند، آنها این شاهزاده را بر داشته به اردبیل رفتند (ولی قلی بن داود قلی شاملو، ۱۳۷۱: ۱۱۶) و بعد از کشته شدن حمزه میرزا در سال ۹۹۴ ه. ق، ابوطالب میرزا را به قزوین برده و به جای سلطان محمد نصب کردند (جنابدی، ۱۳۷۸: ۶۴۵). در *روضه‌الصفویه* آمده، امرایی که ابوطالب میرزا را به جای محمد خدابنده نصب کردند، در قتل حمزه میرزا نقش داشتند (همان: ۶۶۸). از این سخن

چنین بر می آید که مسیب خان نیز جزء آن دسته از امرایی بود که در قتل حمزه میرزا دخالت داشتند، اما اگر سخنان منابع مختلف را کنار هم بگذاریم این احتمال ضعیف می‌نماید، از جمله اینکه نویسنده *روضه الصفویه* اعتقاد دارد، گروه مقابل عباس میرزا دو فرقه بودند، گروهی محمد خدابنده را پادشاه می‌دانستند و بزرگان آنها محمد خان ترکمان و اولاد او بودند، گروه دیگر آنهایی بودند که در قتل حمزه میرزا با هم مشارکت داشته و طهماسب میرزا را صاحب تاج و تخت می‌دانستند (جنابدی، ۱۳۷۸: ۶۶۹)، در قصص خاقانی نیز آمده محمد ترکمان و مسیب خان در اردبیل توقف کرده، علیقلی خان و اسمی خان در رکاب ابوطالب و طهماسب میرزا عازم قزوین شدند (ولی قلی بن داود قلی شاملو، ۱۳۷۱: ۱۱۶). اینکه مسیب خان در کنار محمد ترکمان ذکر شده، می‌تواند دلیلی بر عدم دخالت مسیب خان در ماجرای قتل حمزه میرزا باشد.

برخی از متولیان دقیقاً نه در زمان برعهده داشتن تولیت، بلکه قبل یا بعد از آن در این دسته بندی‌ها شرکت داشته‌اند مانند صدرالدین خان صفوی که به جای پدر، لاله حیدر میرزا شده و در برابر اسماعیل میرزا قرار گرفته بود، البته مورد معصوم بیگک و صدرالدین خان بیشتر به دلیل موقعیت ویژه‌ی ایشان، یعنی لگگی حیدر بوده است. صدرالدین جزء امرایی بود که مهد علیا همسر محمد خدابنده را کشتند و علاوه بر آن مادر مهدعلیا و بسیاری از اعیان مازندرانی را به قتل رساندند (اسکندر منشی، ۱۳۷۷: ۱/۳۸۶).

نتیجه‌گیری

بقعه‌ی شیخ صفی از زمان تأسیس به عنوان یک مکان مذهبی و زیارتی در میان پیروان این طریقت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و از این روی به طور مرتب ندورات و موقوفات بسیاری به آن تخصیص می‌یافت. این بقعه در طی تلاش برای کسب قدرت دنیوی علاوه بر موقعیت معنوی به عنوان پایگاهی سیاسی مورد بهره‌برداری قرار گرفت و پس از تشکیل حکومت صفوی نیز موقعیت خود را همچنان حفظ نمود. در نتیجه در تمام این مدت به طور مرتب بر موقوفاتش افزوده می‌شد.

از ابتدا سرپرستی این موقوفات با صاحب منصب تولیت بقعه قرار داشت که تا پیش از حکومت همان مشایخ صفوی بودند و پس از تأسیس حکومت، شاهان که در عین حال پیر و مرشد طریقت نیز به حساب می‌آمدند، تولیت را برعهده داشتند، اما آنان همیشه شخصی را به نیابت از خود بر این منصب می‌گماشتند.

از آن جایی که بقعه دارای املاک فراوانی در شهر اردبیل و دیگر شهرها و روستاهای دور و نزدیک بود و با توجه به موقعیت برجسته اقتصادی آن، تولیت آن از اهمیت زیادی برخوردار بود. از این روی تولیت به کسانی که مورد اعتماد شاه و نیز دارای اعتبار اجتماعی بودند از جمله افرادی از طایفه شیخاوند و طوایف قزلباش سپرده شده بود. در دوره‌ی اول حکومت صفوی از شاهزادگان برای منصب تولیت استفاده شده است، اما بعدها دیگر چنین وظیفه‌ای برعهده آنان گذاشته نشد. بیشتر متولیان از طایفه شیخاوند یا از قزلباشان بودند، هر چند که گاه از علماء و افراد طبقه روحانی نیز در این منصب استفاده شده است.

گاه منصب تولیت با حکومت اردبیل و در مواردی نیز با حکومت نواحی دیگر مانند کل آذربایجان همراه بوده است. چنین موقعیتی می‌توانست به استقلال متولی در اداره امور مربوط به بقعه کمک کند، هر چند که در برخی موارد باعث سوء استفاده از سوی حاکم متولی شده است. این افراد ضمن رسیدگی به امور جاری بقعه، از جمله امور مربوط به زائران، بست نشینان، خدمه، اطعام و غیره می‌بایست به املاک فراوان بقعه که در شهرهای دور و نزدیک پراکنده بود، رسیدگی می‌کردند.

منابع و ماخذ

اردبیلی، عبدالکاسم محمد، (۱۳۷۵) رساله صفوة الآثار فی اخبار الاحیاء، (اردبیل و گنجینه شیخ صفی و عالمان اردبیل) کنگره بزرگداشت مقدس اردبیلی، قم، دفتر کنگره.
الناریوس، آدام، (۱۳۶۳) سفرنامه آدام اولناریوس، ترجمه احمد بهپور، {تهران} سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.

اصفهانی، محمد معصوم بیگک بن خواجگی، (۱۳۶۸) خلاصة السیر، تهران، انتشارات علمی.

اصفهانی، محمد طاهر، صریح الملک، نسخه خطی دانشگاه تهران، میکروفیلم شماره ۱۶۵۵.
اوروج بیگ بیات، (۱۳۸۸) *دون ژوئن ایرانی*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

رهربرن، کلاوس میثائیل، (۲۵۳۷) *نظام ایالات در دوره صفویه*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۷.

حسینی استر آبادی، حسین بن مرتضی، (۱۳۶۴) *تاریخ سلطانی*، بکوشش احسان اشراقی، تهران، علمی.

جنابدی، میرزا بیگ، (۱۳۷۸) *روضه الصفویه*، بکوشش غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

روملو، حسن بیگ، (۱۳۶۷) *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

زاهدی، شیخ حسین پسر شیخ ابدال پیر زاده، (۱۳۴۳) *سلسله النسب صفویه*، برلین چاپخانه ایرانشهر.

شیرازی، عبدی بیگ، (۱۳۶۹) *تکملة الاخبار*، تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی.

شاردن، ژان بابتیست، (۱۳۳۵) *سفرنامه*، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیر کبیر.

تهماسب بن اسماعیل حیدری الصفوی، (۱۳۶۲) *تذکره شاه تهماسب*، تهران، انتشارات شرق.

عبدی بیگ، زین العابدین، صریح الملک، نسخه خطی، موجود در کتابخانه ملی تهران شماره ف/۲۷۳۴.

گمنام، (۱۳۵۰) *عالم آرای صفوی*، بکوشش ید الله شکری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

فلور، ویلم، (۱۳۸۱) *نظام قضایی عصر صفوی*، ترجمه حسن زندیه، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

فرمان شاه تهماسب دوم، (بدون شماره) اردبیل، مجموعه‌ی بقعه‌ی شیخ صفی الدین اردبیلی، چینی

خانه، ویرین شماره ۱۴

قزوینی، بوداق منشی، (۱۳۷۸) *جواهر الاخبار*، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران، میراث مکتوب.

قزوینی، میرزا محمد طاهر وحید، (۱۳۸۳) *تاریخ جهان آرای عباسی*، تصحیح و تعلیقات سید سعید میرمحمد صادق، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

قمی، قاضی احمد، (۱۳۵۹) *خلاصة التواریخ*، به تصحیح دکتر احسان اشراقی، تهران. منشی، اسکندر بیگ، (۱۳۷۷) *عالم آرای عباسی*، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.

نصرآبادی اصفهانی، میرزا محمد طاهر، (۱۳۱۷) *تذکرة نصرآبادی*، تصحیح وحید دستگردی، تهران، چاپخانه ارمغان.

ولی قلی بن داود قلی شاملو، (۱۳۷۱) *قصص الخاقانی*، تصحیح دکتر حسن سادات ناصری، تهران، سازمان و چاپ انتشارات و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.